

بسم الله الرحمن الرحيم

رای دادن مسلمانان: عمل بی معنی یا ممنوع (حرام)؟

(ترجمه)

در حال حاضر، به مسلمانان در مورد رای دادن در انتخابات پیشرو آمریکا، موارد(چیزهای) مختلفی گفته شده است. جامعه مسلمان تحت ابر و غبار "ارباب، سوظن و تمرکز" قرار دارد. درین میان تلاش‌های موزون و هم‌نوا، مشابه به انتخابات ریاست جمهوری گذشته وجود دارد تا به مسلمانان فشار وارد کنند تا رای دهند، خوا این امر بر اساس ترس، منافع و یا شکلی از وظیفه اجتماعی(مدنی) باشد. مسلمانان به عوض "گیر افتادن(الصاق)" در یک ذهنیت و طرز فکر مغشوش یا متناقض، باید دید واضحی در مورد رأی دادن و این که آیا شرکت در انتخابات واقعاً با اهداف آنان در این زنده‌گی و آخرت سازگاری دارد یا خیر، داشته باشند. ما می‌خواهیم یک دیدگاه سیاسی جدید و مسیری را برای مسلمانان در آمریکا فراهم کنیم تا طبق خطوط پیامبر صلی الله علیه وسلم قدم بردارند.

بنأ یگانه مبنای صحیح برای مسلمانان این است تا هدایت الله سبحانه و تعالی را من حیث یگانه ملاک(معیار) ارزیابی و انجام هرگونه اقدام مربوط به رأی‌گیری، قرار دهند! الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿...إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾

[یوسف: 40]

ترجمه:... فرمانروائی از آن الله است و بس. (این، او است که بر کائنات حکومت می‌کند و از جمله عقائد و عبادات را وضع می‌نماید). الله دستور داده است که جز او را نپرستید. این است دین راست و ثابتی (که ادله و براهین عقلی و نقلی بر صدق آن رهبرند) ولی بیشتر مردم نمی‌دانند (که حق این است و جز این پوچ و ناروا است).
هم‌چنین الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِّنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنَ بِهِ اللَّهُ...﴾

[شوری: 21]

ترجمه: آیا (مشرکان) معبودانی دارند که برای آنان دین و آیینی ساخته‌اند که الله به آن فرمان نداده است؟...
با رأی دادن به منظور انتخاب یک زن یا مرد تا به عوض الله سبحانه و تعالی او "تشریح قانون(قانون وضع)" کند، در واقع به معنای مشارکت با الله سبحانه و تعالی است که اساساً با توحید و ایمان در تضاد است و از این رو از جدی‌ترین اعمال منع شده(حرام) محسوب می‌شود. یقیناً، الله سبحانه و تعالی امر کرده که فقط تشریحات(قانون‌گذاری) او باید برای حکم در میان مردم و حل مشکلات آن‌ها اجرا(تنفیذ) شود. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿...فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ ۖ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ...﴾

[مائده: 48]

ترجمه: ... پس (اگر اهل کتاب از تو داوری خواستند) میان آنان بر طبق چیزی داوری کن که الله بر تو نازل کرده است، و به خاطر پیروی از امیال و آرزوهای ایشان، از حق و حقیقتی که برای تو آمده است روی مگردان...
به همین ترتیب، ایمان ما کامل نیست، مگر این که ما قضاوت (داوری) و حکم را طبق آنچه حضرت محمد صلی الله علیه وسلم از جانب الله سبحانه و تعالی نقل کرده، جستجو و محدود کنیم. الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾

[نساء: 65]

ترجمه: اما، نه! به پروردگارت سوگند که آنان مؤمن بشمار نمی آیند تا تو را در اختلافات و درگیری های خود به داوری نطلبند و سپس ملالی در دل خود از داوری تو نداشته و کاملاً تسلیم (قضاوت تو) باشند.
این امر به خوبی معلوم (واضح) است که "لا إله إلا الله" به معنی عبادت، تشریح (وضع قانون)، حکومت، اطاعت و وفاداری تنها از آن الله سبحانه و تعالی واحد است. بناً، هیچ کسی مستحق عبادت نیست مگر الله سبحانه و تعالی. هیچ کسی مستحق اطاعت نیست مگر الله سبحانه و تعالی و هیچ کس حق تشریح قانون را ندارد مگر الله سبحانه و تعالی.

پس رأی دادن در روز سه شنبه، 3 نوامبر (آیا) واقعاً معنی دارد؟

(در اسلام) انتخاب نمودن و رأی دادن یک نوعی اختیار دادن وکالت به کسی است که در نیابت شما "قیام (اقدام)" به اموری کند، که این امر به عنوان یک اسلوب به طور عام حلال (مجاز) است؛ به عنوان مثال هنگام انتخاب نمودن یک هیئت مدیره (امناء) مدرسه/مکتب در یک مقام اداری یا انتصاب حکمران اسلامی که طبق شریعت قضاوت (داوری) و حکمرانی خواهد کرد.

با این حال، در مورد قضیه انتخابات ریاست جمهوری امریکا، رأی دادن عبارت است از اقدام و تلاش (جستجو) برای تعیین و تفویض کسی ست تا:

- به غیر شریعت اسلامی حکم و حاکمیت بکند.
- آن فرد در تشریح (قانون گذاری) صاحب سیادت باشد، بدین وسیله یک مرد و یک زن منتخب را شریک الله سبحانه و تعالی می کنند.

بنابراین، ما با رأی دادن در این انتخابات، انسانی را انتخاب و تفویض می کنیم تا قانون گذاری (تشریح) و حکمرانی کند، موضوعی که به وضوح حرام (ممنوع) است و از جدی ترین اقدامات ممنوعه به شمار می رود؛ زیرا در مغایرت با عقاید اسلامی و ایمان قرار دارد.

این مسئله هم چنین به وضوح از زندگی (حیات) حضرت محمد صلی الله علیه وسلم بیان شده است و مثالی است که باید در هنگام تقابل شدن با ناامنی هایی که ممکن است به عنوان یک مسلمان در ایالات متحده و یقیناً در سراسر جهان احساس می کنیم، باید روی آن تأمل و فکر کنیم. مسلمانان در مکه با آزار و اذیت مواجه شدند، جایی که آن ها با ترس، توهین، ارباب، تهدید، خشونت، شکنجه روبرو شدند و از تحریم های اجتماعی و اقتصادی رنج می بردند. اما هنگامی که (از سوی مشرکین) با مقاصد مهم تر و تأثیرگذارتر نسبت به رای گیری (برای پیامبر صلی الله علیه وسلم) فرصتی برای کاهش این شرایط دشوار (صعب) پیشنهاد شد،

یعنی برایش قیادت و رهبری سیاسی واقعی پیشنهاد شد، که می‌توانست هم منافع مادی را تأمین بکند و هم مشکلات را برطرف نماید؛ ولی حضرت محمد صلی الله علیه وسلم پیشنهادشان را رد کرد؛ زیرا دستور و امر الله سبحانه و تعالی نقص می‌شد. در عوض، حضرت محمد صلی الله علیه و سلم در تعامل اجتماعی و سیاسی خود با جامعه استقامت ورزید و در عین حال استقامت خود را در راه اسلام نیز حفظ نگاهداشت.

بنابراین، منافع مادی، ترس یا هر عامل دیگری مبنای قضاوت یا تصمیم‌گیری نبود و نیست. بنابراین چگونه پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌تواند فرصت رهبری (قیادت) سیاسی که به وی پیشنهاد شده بود را رد بکند، ولی ما رأی دادن در یک نظام غیر اسلامی برای یک اقتدار سیاسی غیر اسلامی را قابل قبول می‌دانیم (و رأی می‌دهیم)؟ آیا حضرت محمد صلی الله علیه وسلم، الگو و پیشوای ما نیست که از وی تقلید بکنیم؟ الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾

[أحزاب: 21]

ترجمه: به راستی برای شما، برای کسی که به (پاداش) الله و روز قیامت امیدوار است و الله را فراوان یاد می‌کند، در رسول الله، الگو و سرمشقی نیکوست.

ای مسلمانان، این امر باید برای تان واضح و آشکار شده باشد که ما در حال حاضر فریب می‌خوریم و در نهایت فریب خوردیم که سکولاریسم را معیار زنده‌گی خود قرار دادیم؛ جایی که ما ارزش‌ها و قوانین اسلامی را تنها به امور شخصی خود تحمیل و محدود کردیم. با این حال ما در میان جوامع خود مصلحت را (در اذهان عموم) تزریق می‌کنیم و کنترل فرهنگی و مفاهیم سکولاری را بر مسلمانان تداوم می‌بخشیم. بنابراین ما به جای این که محافظ و سفیر اسلام باشیم، محافظ و علم‌بردار سکولاریسم می‌شویم.

ای مسلمانان، آرای ما اهمیتی ندارند و بر جهت‌گیری هیچ دولت سکولار، به ویژه نسبت به اسلام و مسلمانان هیچ تأثیری نمی‌گذارند و از نظر سیاسی بسیار ساده لوحانه است که باور کنیم چنین است، یعنی رأی ما نتیجه مثبت خواهد داد. به عوض، رأی ما تنها برای آجدای ادغام (همبستگی یا الحاق) و از بین رفتن هویت و ارزش‌های اسلامی، بکار می‌رود.

ای مسلمانان، یقیناً ما در مشکلات امتحان خواهیم شد:

﴿أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾

[عنکبوت: 2]

ترجمه: آیا مردمان گمان برده‌اند همین که بگویند ایمان آورده‌ایم (و به یگانگی الله و رسالت پیغمبر اقرار کرده‌ایم) به حال خود رها می‌شوند و ایشان (با تکالیف و وظائف و رنج‌ها و سختی‌هایی که باید در راه آئین آسمانی تحمل کرد) آزمایش نمی‌گردند؟! ما نمی‌توانیم اجازه دهیم که ترس اعمال ما را دیکته و تعیین بکند. این امر به سادگی به این معنی است که ما معیارهای خود را از حلال و حرام جدا کرده‌ایم و به دست کسانی پیروزی را واگذار می‌کنیم که به‌طور خستگی‌ناپذیر تلاش می‌کنند تا ما را از اسلام و از امت ما جدا بکنند. این صفت مسلمان نیست؛ بلکه باید اعتماد به نفس داشته باشیم تا در برابر اسلام بایستیم، تا هویت و

ارزش‌های اسلامی خود را حفظ کنیم، تا دعوت اسلام را به جامعه وسیع‌تر تقدیم و برسانیم و الگویی برای فرزندان و نسل‌های بعدی مان باشیم. همه این‌ها واجباتی است که بر دوش ما قرار گرفته است. الله سبحانه و تعالی برای ما هشدار می‌دهد:

﴿...فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَآخِشُونَ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا...﴾

[مائده: 44]

ترجمه: ... پس (ای علمای یهودیان، و شما ای مؤمنان!) از مردم نهراسید و بلکه از من بهراسید (و همچون سلف صالح خود محافظان و مراقبان کتاب الله و مجریان احکام آسمانی باشید) و آیات مرا به بهای ناچیز (دنیا، همچون رشوه و جاه و مقام) نفروشید...

ای مسلمانان، ما نمی‌توانیم اجازه دهیم که منفعت اعمال ما را دیکته و تعیین بکند، به این معنی که ما قضاوت را به هوی و هوس خود به دور از حکم الله سبحانه و تعالی موکول کرده ایم، حال آن‌که امریست غیرمجاز و حرام. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿...وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾

[بقره: 216]

ترجمه: ... لیکن چه بسا چیزی را دوست نمی‌دارید و آن چیز برای شما نیک باشد، و چه بسا چیزی را دوست داشته باشید و آن چیز برای شما بد باشد، و الله (به رموز کارها آشنا است و از جمله مصلحت شما را) می‌داند و شما (از اسرار امور بی‌خبرید و مصلحت خود را چنان که شاید و باید) نمی‌دانید.

منافع ما این است که زنده‌گی خود را با معیارهای حلال و حرام محدود کنیم. علاوه بر این، چگونه می‌توان عدم‌رضایت یا غضب الله سبحانه و تعالی را توسط "حاکم قرار دادن یک انسان در تشریح" منفعت دانست؟ چگونه می‌توان با مصلحت نمودن در اسلام، کنار گذاشتن هویت و ارزش‌های اسلامی، از دست دادن پیوند ما با امت اسلامی و از دست دادن فرزندان مان به دلیل ارزش‌های انحرافی و منحط سکولار، سبک زنده‌گی و فرهنگ غربی، آن را منفعت دانست؟ چگونه می‌توان با رای دادن به رهبری که جنگ خود را علیه اسلام ادامه می‌دهد، هم‌چنین دستانش پر از خونی مسلمانان بی‌گناه در سوریه، عراق، یمن، لیبی و فراتر از این کشورها است و همچنان به پشتیبانی و مسلح کردن رژیم‌های وحشی در جهان اسلام ادامه می‌دهد که مسلمانان و دعوت برای تأسیس مجدد اسلام یعنی نظام خلافت را سرکوب می‌نمایند، را ما منفعت بدانیم و به خیر مان تلقی نمائیم؟ چگونه می‌توان این رأی دادن را به یک حاکم و نظامی که به طور سیستماتیک از منابع ما در جهان اسلام با همدستی حکمرانانی دست‌نشانده خود در سرزمین‌های اسلامی بهره‌برداری می‌کنند را به نفع خود تلقی نمایم که (این غارت‌شان) اکثریت مردم را به‌طور خمود و زار در فقر و با یک اقتصادی خراب، نگهداشته است؟ چگونه رای دادن به حاکم و نظامی که همچنان به حمایت از جنایات علیه مردم فلسطین و اشغال‌الاقصى ادامه می‌دهد و ادامه تفرقه سیاسی مسلمانان را تضمین می‌نماید، منفعت تلقی می‌شود؟

ای مسلمانان، مصلحت و فلاح مان در تمسک جستن به اسلام است؛ در تقویت وفاداری ما به یکدیگر به عنوان یک مسلمان است، در ایجاد اعتماد به نفس برای ایستادن در برابر اسلام است؛ هم‌چنین در تفاعل و مشارکت با جامعه وسیع‌تر برای مقابله با تصویر منفی اسلام است؛ در افشای نفاق و فساد سیاست خارجی غرب به ویژه در جهان اسلام است؛ در اثبات برتری ارزش‌ها و احکام

اسلامی است؛ در شرح جامعیت اسلام به عنوان یک راه حل و گزینه و در نهایت فلاح مان در حمایت از جد و جهد و التزام برای تأسیس مجدد اسلام در سرزمین‌های اسلامی یعنی دولت خلافت راشدۀ ثانی بر منهج نبوت است.

ای مسلمانان، یگانه طریقه‌ای که ما می‌توانیم منافع و مصلحت حقیقی خود را درین حیات دنیا و در آخرت تضمین بکنیم، مستلزم تمسک جستن به احکام شریعت الهی است، زیرا این امر ملاک و معیار (محاسبه انسان‌ها) در روز قیامت خواهد بود. هیچ چیزی و هیچ کسی نمی‌تواند به ما ضرر وارد کند؛ مگر به اراده و قدر الله سبحانه و تعالی و ما شما را به آنچه دعوت می‌کنیم که الله سبحانه و تعالی ما را جمیعاً دعوت نموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...﴾

[أنفال: 24]

ترجمه: ای مؤمنان! فرمان الله را بپذیرید، و دستور پیغمبر او را قبول کنید هنگامی که شما را به چیزی دعوت کند که به شما

زندگی (مادی و معنوی و دنیوی و اخروی) بخشد،...

حزب التحریر-امریکا

8 ربیع اول 1442 هـ.ق

25 اکتبر 2020م

مترجم: داکتر زکریا